معرفی کتاب
انتقال از جمع‌آوری اطلاعات به‌سوی تحلیل داده‌ها در طب ایرانی
در کتاب «*مقدمه‌ای بر پزشکی دوران ساسانیان*»

کامران محلوجی[الف]، مه‌سیما عبدلی[الف*]، حمیدرضا خیاط کاشی[ب]

[الف]مؤسسهٔ مطالعات تاریخ پزشکی-طب اسلامی و مکمل، دانشکدهٔ طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
[ب]گروه جراحی مغز و اعصاب، مرکز آموزشی و درمانی امام حسین (ع)، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: شهریور ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: مهر ۱۴۰۰

پزشکی در ایران باستان یکی از موضوعات پرمخاطب در حوزهٔ تاریخ‌نگاری پزشکی کشور ماست؛ از یک طرف موضوع شکل‌گیری و گسترش دانش در یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های تاریخ بوده و از طرف دیگر الهام‌بخش و خمیرمایهٔ جریان پزشکی در تمدن اسلامی است. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌گیری پزشکی تمدن اسلامی، دانشی است که از طریق بیمارستان جندی‌شاپور و دانشمندان آن به بغداد رفت و توسعه یافت، اما علی‌رغم این جایگاه مهم، عمدهٔ مطالبی که تا کنون در این زمینه تدوین شده بیشتر در محدودهٔ جمع‌آوری اطلاعات بوده است.

در این راستا حداقل پنج اثر وزین را در این زمینه می‌توان نام برد که توسط محققان ایرانی تدوین شده است. کتاب اول، «*تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران*» جلد اول که به ایران باستان اختصاص دارد و نوشتهٔ استاد حسن تاج‌بخش می‌باشد. دومین اثر، «*تاریخ پزشکی در ایران از دوران باستان تا دارالفنون*» نوشتهٔ دکتر محمدرضا شمس اردکانی و همکاران ایشان است؛ آثار بعدی، کتاب «*تاریخ پزشکی در ایران باستان*» نوشتهٔ حمید کاویانی پویا؛ کتاب «*طب در ایران*» جلد اول نوشتهٔ دکتر محمود نجم‌آبادی و کتاب «*جستاری بر تاریخ پزشکی در ایران باستان*» اثر فائزه توکلی می‌باشند. در این میان البته کتاب‌هایی هم هستند که تئوری‌های محدودی را دنبال می‌کنند مانند کتاب «*پزشکی در ایران باستان*» اثر پرویز اذکایی که محور بنیادین نوشتهٔ خود را بر تئوری سئنا و گروه صد نفره‌ای از مغان بنا نهاده است که حکمت و پزشکی را هگمتانه یا همان همدان امروزی، در دوران هخامنشی کیاست می‌کردند. همچنین مقالات متعددی نیز در این زمینه نوشته شده که هرکدام به بخش‌های مختلفی از تاریخ پزشکی ایران باستان می‌پردازد.

اما کتاب «*مقدمه‌ای بر پزشکی دوران ساسانیان*» (آرمان زرگران، انتشارات چوگان، ۱۳۹۸) را می‌توان یک گام روبه‌جلو در زمینهٔ تحلیل تاریخ در حوزهٔ پزشکی دروان ساسانی قلمداد کرد. این اثر توسط آرمان زرگران که یکی از محققان در زمینهٔ تاریخ علوم پزشکی می‌باشد تدوین شده است. زرگران پیش از این نیز مقالات متعددی در این زمینه نگاشته است. این کتاب در هفت گفتار تنظیم شده و روند منطقی و مناسبی دارد. صرف‌نظر از بخش هفتم که سخن آخر نویسنده است روند مطالب این اثر به قرار زیر است:

بخش اول شامل تاریخ عمومی پادشاهی ساسانی و تحولات سیاسی است که در این محدودهٔ زمانی در امپراتوری

* فرد مسئول مکاتبات: Abdoli.m@kar.iums.ac.ir

ایران رخ داده است. شاید در نگاه اول این یک نقطه‌ضعف برای یک کتاب تخصصی در زمینهٔ تاریخ پزشکی قلمداد شود که حدود بیست صفحه از آن به تاریخ عمومی می‌پردازد، اما باید در نظر داشت که این یک اثر تحلیلی-آموزشی است و یکی از عمده مخاطبان آن دانشجویان حوزهٔ تاریخ علوم پزشکی هستند که آشنایی ایشان با تحولات تاریخی مرتبط با پزشکی در درک آنچه نویسنده در ذهن دارد کمک شایان توجهی می‌کند. از طرفی بیان تاریخ در این بخش با تحولات پزشکی در هم آمیخته است و زرگران تلاش کرده حوادثی را که بر جریان دانش پزشکی از زمان هخامنشیان تا پایان ساسانیان مؤثر افتاده در این بخش جمع‌آوری نماید.

در فصل دوم این کتاب، نویسنده به جایگاه کلی خرد و علم به‌طور عام و پزشکی به‌صورت خاص در دوران ساسانی می‌پردازد و سعی می‌کند نظام علمی پیچیده‌ای را تبیین کند که در آن دوران شکل گرفته بود. او ضمن بررسی نشانه‌شناسی، ساختار طبقاتی قدرت، خط‌شناسی و سمبل‌های متعددی که نشان می‌داد در دوران استقرار این امپراتوری تا چه میزان علم اهمیت داشته است، به یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این امپراتوری، یعنی تنوع خط در تدوین علوم مختلف اشاره می‌کند. طبق نظر نویسنده، امپراتوری ساسانی برای هر حوزه از دانش یک خط مخصوص به خود را به‌وجود آورده بود. خطی که در آن دوران برای ثبت مطالب پزشکی به‌کار می‌رفته نیم‌گشتج بوده است. مستندات امروزهٔ ما نشان می‌دهد که موضوع تفکیک خط برای بیان حوزه‌های تخصصی علمی، پیش از این در هیچ تمدن دیگری مشاهده نشده است. این بخش از کتاب با توجه به دانسته‌های محدودی که تا کنون از آن دوران احراز شده است به‌خوبی توانسته ترسیم شایسته‌ای از وقایع علمی آن عصر در اختیار خواننده قرار دهد.

زرگران در فصل سوم کتاب خود به ویژگی‌های پزشکی ساسانی می‌پردازد. پیش از این کتاب، کمتر اثری به‌طور مستقل به دانش پزشکی زرتشتی و محتوای آن پرداخته و سعی کرده پارادایم علمی آن را تدوین کند. او با یک بررسی تطبیقی بین پزشکی ساسانی و یونانی نشان می‌دهد که علی‌رغم شباهت‌هایی که میان این دو حوزهٔ پزشکی وجود دارد در بسیاری از زمینه‌ها کاملاً از یکدیگر متفاوت می‌باشند. او توانسته با تهیهٔ جدول‌ها و دیاگرام‌های مرتبط، منظور خود را به ساده‌ترین شکل ممکن به مخاطب انتقال دهد. این بخش یکی از نقاط قوت این کتاب محسوب می‌شود. این بخش از کتاب برگرفته از کتاب‌هایی نظیر« *وزیدگی‌های زاداسپرم*» است و پیاده‌سازی پزشکی زرتشتی و مدل‌سازی آن را می‌توان یک کار بدیع به‌حساب آورد؛ به‌طور مثال قراردادن چهار عضو رئیسه در مقابل چهار طبع یکی از تمایزات طب زرتشتی و طب یونانی محسوب می‌شود که خود می‌تواند موضوع یک پژوهش مجزا باشد. علی‌رغم کار تحلیلی خوبی که در این زمینه انجام شده است انتقاداتی هم به این بخش می‌توان وارد کرد؛ به‌طور مثال نویسنده به وجود جریان‌های مختلف پزشکی مانند پزشکی مانوی، مردمی، مندایی و... که هم‌زمان در میان مردم رواج داشت، نمی‌پردازد و دامنهٔ اطلاعات خود را به آثاری محدود می‌کند که در آن به پزشکی زرتشتی پرداخته می‌شود. مطالعات آتی می‌تواند تأثیرپذیری این حوزهٔ دانشی را از پزشکی مردمی روشن‌تر سازد؛ به‌طور مثال زمانی که علی‌بن‌سهل طبری در کتاب «*فردوس الحکمه*» به واگویه‌کردن دیدار خود و ریاست بیمارستان جندی‌شاپور می‌پردازد موضوع گفت‌وگوی ایشان در مورد یک روش درمانی عامیانه برای سقط‌جنین می‌باشد که در کتاب خود به‌تفصیل آن را بیان کرده است. این گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که فضای بیمارستان جندی‌شاپور به‌عنوان یکی از مراکز درمانی به‌جامانده از تمدن ساسانی تا چه میزان متأثر از پزشکی عامیانه است که می‌تواند موضوع تحقیقات وسیع‌تری در این زمینه باشد.

فصل چهارم به ذکر پزشکانی اختصاص دارد که در ایران باستان زندگی می‌کردند. البته علی‌رغم اینکه عنوان کتاب در مورد عصر ساسانی است، نویسنده پا را فراتر گذاشته و به پزشکان هخامنشی و حتی اساطیری هم می‌پردازد. با وجود این باید پذیرفت که این کامل‌ترین فهرستی است که تا کنون از پزشکان این دوران تهیه شده است. او در این بخش خود را به ذکر نام پزشکان محدود نمی‌کند و حتی به شبهاتی که به ایشان منتسب شده است نیز پاسخ می‌دهد؛ به‌طور مثال بزرگمهر، وزیر انوشیروان، یکی از شاهان ساسانی بود که در برخی

نوشته‌ها با برزو یا برزویه، پزشک دربار انوشیروان، یکسان انگاشته شده است. زرگران بخشی از فصل چهارم کتاب خود را به بررسی این موضوع اختصاص داده و نشان می‌دهد که این دو نام مربوط به دو شخصیت متفاوت هستند. او از ابزار تحلیل برای بیان خود به‌خوبی استفاده کرده است.

فصل پنجم نیز یکی دیگر از نقاط قوت این کتاب محسوب می‌شود. نگارنده در این بخش به دستاوردها و کشفیاتی می‌پردازد که منحصراً به پزشکی زرتشتی اختصاص دارد. موضوع کشف گردش خون ریوی و حرکات پریستالتیک رحم در حین زایمان یکی از این موارد می‌باشد که البته پیش از این توسط نویسنده به‌صورت مقاله منتشر شده است. انحصاراً این بخش از کتاب پیش از این در هیچ کتاب دیگری در زمینهٔ ایران باستان مورد توجه قرار نگرفته است.

بخش ششم این کتاب به مراکز آموزشی و کتب طبی به‌جامانده از دوران ساسانی اشاره می‌کند. قسمت عمدهٔ این بخش به بیمارستان جندی‌شاپور اختصاص دارد و تلاش می‌کند با توجه به مستندات تاریخی، به نقدهایی پاسخ دهد که به این مرکز وارد شده است. نویسنده براساس یافته‌های جدید توانسته است پاسخ مناسبی به منتقدان این بیمارستان بدهد که احتمالاً مسیر تحقیقات در این زمینه را تغییر خواهد داد. به‌نظر می‌رسد محققی نمی‌تواند به تحقیقات در زمینهٔ جندی‌شاپور بپردازد بدون اینکه به منابع و استدلال‌های این کتاب نگاهی داشته باشد. لیست کتاب‌های این بخش هم نوآوری‌های مناسبی در این زمینه دارد. کتاب‌هایی مانند «*خوز و خوزی در مکتب پزشکی ایران*» کمتر موردتوجه محققان پیش از این قرار گرفته بود. بازسازی این کتاب‌ها در دههٔ اخیر صورت گرفته و به همین دلیل نویسنده توانسته تصویر روشن‌تری از آن دوران به‌دست ما دهد، اما این بخش نیز می‌توانست همانند فصل سوم با اشاره به پزشکی مانوی و جریانات طبی که در آن دوران حضور داشتند، پربارتر شود.

در انتها باید گفت که کتاب «*مقدمه‌ای بر پزشکی دوران ساسانیان*» یک کتاب آموزشی و تحلیلی است که بیشتر برای دانشجویان رشتهٔ تاریخ علوم پزشکی و محققان این حوزه تدوین شده است. کمتر پیش می‌آید اثری همراه با جمع‌آوری اطلاعات به دسته‌بندی و تحلیل آن نیز بپردازد و ضمن ساده‌سازی مطالب، همراه با کشفیاتی باشد که نویسنده در طی یک دهه قبل موفق به آشکارسازی آن‌ها شده است، اما در کنار این موارد باید در نظر داشت که این اثر، ویراست نخست این تحقیق تلقی می‌شود و احتمالاً در تنقیحات آتی، تکمیل‌تر خواهد شد.